

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/23

موضوع: حضرت امام سجاد (سلام الله عليه) الگوی نمونه امامت

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این سخنرانی:

اجمالی از زندگانی امام سجاد (سلام الله عليه) از ولادت تا شهادت!

راز گریه های مداوم امام سجاد (سلام الله عليه)

دیدگاه اندیشمندان اهل سنت درباره امام سجاد (سلام الله عليه)

دنبال یک سنی و وهابی می‌گردم که با او مناظره کنم!!

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) ملاک و محور!

جرعه ای از چشمه زلال عبادت امام سجاد (سلام الله عليه)

پاسخگوئی به شبهات، دغدغه مهم ائمه اطهار (علیهم السلام)

بنده بیش از صد بار این مناظره را مطالعه کرده ام!

تماس بینندگان برنامه

ما به «عایشه» توهین نمی کنیم ولی انتقاد جدی به او داریم!!

والله اگر «خدمتی» بمیرد و زیر خاک برود، بهتر است!!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله
الطاهرين السلام عليك يا أبا الحسن يا علي بن الحسين يا زين العابدين يا بن رسول الله

آسمان هم خجل از چشم تو و بارانت

آخری نیست بر این گریه بی پایانت

آب می بینی و طفل و گل و سقا و جوان

بیشتر می شود انگار غم پنهانت

زهر هرچند که یک روز به دادت آمد

تو چهل سال به لب آمده هرشب جانت

غیر زینب چه کسی درد تو را می داند

که چه آورده خرابه به دل ویرانت

عرض سلام و ادب و احترام خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر» و
عرض تسلیت به مناسبت شب شهادت امام سجاد، سید الساجدین زین العابدين (عليه السلام).

امشب باز به روال شب های دوشنبه با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگانتان هستیم و در خدمت سلاله امام
سجاد، حضرت استاد «دکتر حسینی قزوینی» هستیم و ان شاءالله که از محضرشان بهره مند می شویم. سلام
علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند یا تکرار این برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت همه عزیزان شیعه و سنی و مسیحی یا دیگر ادیان ابراهیمی از خداوند مَنان خواهانم.

شهادت جانسوز و مظلومانه امام سجاد (سلام الله علیه) را هم به همه شما گرامیان و همه علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

مجری:

حضرت استاد! امشب با توجه به این ایام سوگواری و عزاداری، ان شاء الله بتوانیم بیشتر با شخصیت امام زین العابدین آشنا شویم و از محضرتان راجع به آن حضرت بهره ببریم.

اجمالی از زندگانی امام سجاد (سلام الله علیه) از ولادت تا شهادت!

قدری در رابطه با سیر زندگانی امام سجاد از ولادت تا شهادت و خلفایی که هم عصر با آن حضرت بودند و نیز علت شهادت امام را برای ما بفرمایید تا عزیزان بیننده هم آشنایی اجمالی در خصوص امام سجاد پیدا کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفضو أمری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. در رابطه با شهادت امام سجاد که بعضی افراد به نقلی روز «دوازدهم محرم» و بعضی دیگر روز «بیست و پنجم محرم» را قرار داده‌اند، آنچه روایات تأیید می‌کند روز بیست و پنجم است.

«مرحوم کفعمی» در کتاب «مصباح المتهدج» صفحه 675 و «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدج» صفحه 787 و «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 468، همگی شهادت حضرت را به تاریخ «بیست و پنجم محرم الحرام» ذکر کردند.

همانطور که در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 466 ولادت حضرت را هم پنجم شعبان ذکر کرده‌اند.

در خصوص ائمه هم عصر آن حضرت، باید بگوییم که امام سجاد با جد بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دو سال زندگی کردند. یعنی دو سال قبل از شهادت امیرالمؤمنین در سال 38 هجری، به دنیا آمدند.

امام سجاد با عموی بزرگوارش امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) دوازده سال و با پدر بزرگوارش امام حسین، بیست و سه سال زندگی کردند. امام سجاد بعد از شهادت پدر بزرگوارش، سی و چهار سال زندگی کردند و دوران امامتشان هم سی و چهار سال بود.

امام سجاد شاید جزو ائمه‌ای باشند که تقریباً دوران امامتشان بیش از دیگر ائمه اطهار است. دوستان می‌توانند کتاب «إرشاد» اثر «شیخ مفید» صفحه 253 و کتاب «مناقب» اثر «ابن شهر آشوب» جلد چهارم صفحه 175 را مفصل ملاحظه کنند.

راجع به خلفای عصر امام سجاد، «طبری امامی» در کتاب «دلائل الإمامة» صفحه 191 و «ابن شهر آشوب» در کتاب «مناقب» جلد چهارم صفحه 175 می‌نویسند: ایام امامت حضرت با سلطنت «یزید بن معاویه» و پسرش «معاویه بن یزید» و «مروان بن حکم» و «عبدالملک بن مروان» و «ولید بن عبدالملک» مصادف بود.

در خصوص شهادت امام سجاد نقل شده است، سمی که «ولید بن عبدالملک» توسط «هشام بن عبدالملک» به حضرت خوراند، حضرت به شهادت رسیدند.

در این خصوص، دوستان می‌توانند به کتاب «الفصول المهمة» اثر «ابن صباغ مالکی» صفحه 196 و «دلائل الإمامة» اثر «طبری شیعی» صفحه 192 و «مناقب ابن شهرآشوب» جلد چهارم صفحه 176 را ببینند.

این در حقیقت خلاصه‌ای از ولادت و شهادت و ائمه معاصر و سلاطین معاصر امام سجاد بود که خیلی فشرده خدمت شما عرض کردیم. گرچه حرف بسیار زیاد است، اما ما تلاش می‌کنیم قدری زودتر بحث را خاتمه دهیم. بنده در خدمت شما هستم.

مجری:

الحمدلله مطالب هم بسیار قابل استفاده بود. یکی از آن ویژگی‌ها و صفاتی که بسیار به امام سجاد نسبت داده شده و ما هم زیاد شنیدیم، این بود که حضرت جزو «بکائین» بودند و زیاد گریه می‌کردند. در این رابطه خوشحال می‌شویم اگر توضیحاتی بفرمایید.

راز گریه های مداوم امام سجاد (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با گریه‌های حضرت، دو نوع گریه در روایات ما هست؛ نوع اول گریه از خوف خداوند و گریه در عبادت است که این گریه‌ها بحث جدایی دارد. نقل شده است حضرت امام سجاد (سلام الله علیه) در عبادت و گریه بعد از امیرالمؤمنین همتایی نداشتند.

بنده در زمینه نماز حضرت، عبادت‌های حضرت و مناجات شبانه حضرت حرف زیاد دارم. اما آنچه مورد نظر است، گریه‌های زیادی است که امام سجاد به خاطر حادثه جانسوز عاشورا داشتند.

در کتاب «حلیة الأولیاء» اثر «ابو نعیم اصفهانی» متوفای 430 هجری مطالبی در این زمینه نقل شده است. ایشان با «سید مرتضی» و «شیخ مفید» و اوایل جوانی «شیخ طوسی» معاصر بود و هم عصر این سه بزرگوار بود.

ایشان در جلد سوم روایتی را از «ابوحمزه ثمالی» از قول امام جعفر صادق نقل می‌کند که از حضرت سؤال کردند که چرا این همه گریه می‌کنید؟ حضرت فرمود:

«لَا تَلُومُونِي، فَإِنَّ يَعْقُوبَ فَقَدْ سَبَطَا مِنْ وَلَدِهِ فَبَكَى حَتَّى ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ، وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مَاتَ»

مرا ملامت نکنید، زیرا یعقوب تنها یک فرزند از دوازده فرزند خود را از دست داده بود و می‌دانست که در قید حیات است، اما به قدری گریه کرد که چشمانش نابینا شد.

چشمان حضرت یعقوب با پیراهنی که از حضرت یوسف متبرک شده بود، بینایی اش بازگشت. این منطق قرآن کریم است، اما وهابی‌های نادان تبرک را انکار می‌کنند. پیراهن حضرت یوسف بهترین دلیل بر مشروعیت تبرک است. بعد فرمود:

«وَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى أَرْبَعَةِ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي غَزَاةٍ وَاحِدَةٍ»

من چطور گریه نکنم، در حالی که تنها در یک روز، چهارده تن از اهلبیتم را از دست دادم.

«أَفْتَرُونَ حُرْنَهُمْ يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِي؟»

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی، دار النشر: دار الكتاب

العربی - بیروت - 1405، الطبعة: الرابعة، ج 3، ص 138، باب 5 زین العابدین علی بن الحسین

و نیز در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» در جلد نهم صفحه 107 نقل شده است:

«وذكروا أنه كان كثير البكاء»

نقل شده است که حضرت بسیار گریه می‌کردند.

«فقيل له في ذلك»

در این خصوص از حضرت سؤال کردند.

«فقال إن يعقوب عليه السلام بكى حتى ابيضت عيناه على يوسف ولم يعلم أنه مات»

حضرت فرمود: حضرت یعقوب به خاطر فقدان یوسف به قدری گریه کرد که چشمانش سفید شد، اما می‌دانست که او زنده است.

«وإني رايت بضعة عشر من أهل بيتي يذبون في غداة واحدة فترون حزنهم يذهب من قلبي أبدا»

من چطور گریه نکنم و فراموش کنم در حالی که من دیدم بیش از ده تن از اهل بیتم را در یک صبحگاهان ذبح کردند.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج 9، ص 107، باب علي بن الحسين

از میان کتب شیعه هم «مرحوم شیخ حر عاملی» متوفای 1104 هجری که معاصر «علامه مجلسی» متوفای 1110 هجری بود، در کتاب «وسائل الشیعه» جلد سوم در رابطه با اینکه بکائین چند نفر بودند، مفصل مطالبی نقل می‌کند.

ایشان می‌نویسد اولین کسی که بسیار گریه می‌کرد حضرت صدیقه طاهره بود. حضرت فاطمه زهرا به قدری گریه می‌کرد که مردم از شدت گریه حضرت اعتراض کردند.

خانه حضرت فاطمه زهرا به مسجد چسبیده بود و صدای گریه حضرت به مسجد می‌آمد. مردم آمدند و عرضه داشتند:

«قَدْ آذَيْتَنَا بِكَأَيْكَ»

حضرت تا به مقابر شهدا یا جاهای دیگر می‌رفت گریه می‌کرد، اما در مورد امام زین العابدین می‌نویسد:

«فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ ع- عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى»

امام زین العابدین بیست سال یا چهل سال گریه می‌کرد به طوری که هرگاه غذا می‌دید گریه می‌کرد.

«حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ»

غلام حضرت عرضه داشت: فدایتان شوم! می‌ترسم که خودتان را از بین ببرید.

«قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

حضرت سپس فرمود:

«إِنِّى لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا حَنَقْتَنِى لِذَلِكَ عِبْرَةٌ»

وقتی شهادت و بدن‌های پاره پاره فرزندان فاطمه را یاد می‌کنم بغض گلویم را می‌گیرد و قطرات اشک از چشمانم جاری می‌شود.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج 3، ص 281، ح 7

ما در این زمینه حرف زیاد داریم، اما بنده به همین مقدار اکتفا می‌کنم.

مجری:

ممنون و متشکرم. الحمدلله پای این صحبت‌ها نشستن قطعاً فضیلت پای روضه امام سجاد نشستن را دارد و ما را به فیض اکمل و اتم رساندید.

دیدگاه اندیشمندان اهل سنت درباره امام سجاد (سلام الله علیه)

بنابر سیر مبحثی که پیش می‌رویم اگر بخواهیم حلقه اتصالی هم ایجاد کنیم، به فراخور امشب و موضوع برنامه می‌خواهیم ببینیم علمای اهل سنت نظرشان راجع به امام زین العابدین چیست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با دیدگاه علمای اهل سنت حرف زیاد داریم. اگر بنده بخواهم به صورت مفصل بیان کنم، شاید یکی دو جلسه وقت نیاز داشته باشد. علمای اهل سنت در رابطه با امام سجاد مطالب زیادی دارند.

به عنوان مثال «سعید بن مسیب» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت و متوفای 93 هجری است، «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد چهارم صفحه 391 می‌نویسد:

«إن رجلاً قال لأبن المسیب ما رأیت أروع من فلان»

شخصی به ابن مسیب گفت: من باورع تر از فلانی ندیدم.

«قال هل رأیت علی بن الحسین»

سعید بن مسیب گفت: آیا علی بن الحسین را دیدی؟

«قال لا»

راوی گفت: خیر.

«قال ما رأيت أروع منه»

سعید بن مسیب گفت: من با ورع تر از امام سجاد ندیدم.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج 4، ص 391، باب 157 علی ابن حسین

همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد 9 صفحه 104 وارد شده است:

«وقال سعید بن المسیب وزید بن أسلم ومالك وأبو حازم»

سعید بن مسلم و زید بن أسلم و مالک و أبو حازم می گویند:

«لم یکن فی أهل البيت مثله»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت، ج 9، ص 104، باب علی بن الحسین

لازم به ذکر است که آنها اهل بیت را قدری توسعه می دهند. اهل بیت که ما به آن معتقد هستیم، امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره و امام حسن و امام حسین و نه فرزند امام حسین تا حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است.

بعضی از اهل سنت فرزندان حضرت ابوطالب و تمامی فرزندان بنی هاشم را اهل بیت به حساب می آورند. آقایان در این زمینه عقایدی دارند که در فرصتی مناسب این مسائل را نقد می کنیم.

طبق روایاتی که خودشان دارند و ادله محکمی که ما داریم، اهل بیتی که قرآن کریم در آیه 33 سوره احزاب می فرماید:

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

مراد ما از (أَهْلَ الْبَيْتِ) فرموده این آیه شریفه است. ما شاید بیش از هفتاد روایت از اهل سنت داریم که مراد از اهلبیت، خاص پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره و امام حسن و امام حسین و نه فرزند امام حسین است.

حال بعضی از وهابیت تلاش می‌کنند در ماجرای همانند ماجرای حضرت ابراهیم، کلمه «اهلبیت» را در قرآن کریم کنار هم بچینند.

این افراد وقتی به آیه غار می‌رسند و می‌بینند که نامی از «ابوبکر» نیست، ادعا می‌کنند که هرکسی انکار کند آیه غار در مورد ابوبکر نازل شده کافر است. آنها به سراغ روایات می‌روند.

وهابیت همچنین ادعا می‌کنند که آیه یازدهم سوره نور در رابطه با عایشه نقل شده است، اما وقتی می‌بینند که نامی از «عایشه» نیست ادعا می‌کنند که ما روایت داریم این آیه در مورد عایشه نازل شده است.

ولی وقتی به آیه تطهیر می‌رسند، روایات را کنار می‌گذارند و می‌گویند: «القرآن یفسر بعضه بعضاً»!!

اگر چنین باشد ما هم در رابطه با آیه یازده سوره نور و آیه چهل سوره توبه حرف زیاد داریم. اگر «القرآن یفسر

بعضه بعضاً» باشد، آقایان کمیتشان لنگ است!!

همچنین «یحیی بن سعید انصاری» که یکی دیگر از فقهای بزرگ اهل سنت است، می‌گوید:

«وهو أفضل هاشمی أدرکته»

او بافضیلت ترین هاشمی است که من دیدم.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج 9، ص 104، باب علي بن الحسين

همچنین در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزى» جلد 20 صفحه 386 وارد شده است که «سفيان بن عيينه» یکی از فقهای بزرگ اهل سنت و از ائمه جرح و تعدیل، از قول «محمد بن مسلم زهرى» یکی از علمای بزرگ اهل سنت و متوفای 123 هجری نقل می‌کند:

«ما كان أكثر مجالستي مع علي بن الحسين»

چه بسیار همنشینی با امام سجاد داشتم.

«وما رأيت أحدا كان أفقه منه، ولكنه كان قليل الحديث»

من فقیه‌تر از او کسی را ندیدم، اما احادیث کمی دارد.

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، دار النشر: مؤسسة الرسالة

- بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 20، ص 386، ش 4049

حال معلوم نیست که امام سجاد احادیث کم دارد یا شما احادیث کمی از آن بزرگوار نقل کردید. تفاوت زیادی وجود دارد بین اینکه آن بزرگوار قلیل الحدیث است یا شما احادیث کمی نقل کردید!!

آیا به عنوان نمونه در کتب «صحیحین» شما یک روایت به عنوان نمک روایات از امام سجاد و امام باقر و امام

صادق آوردید؟!

مجری:

حضرتعالی در جلسات گذشته آماری اجمالی دادید که در منابع اهل سنت از «ابوهریره» بیش از پنج هزار حدیث ذکر شده است، اما از اهل بیت روایتی ذکر نشده است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه چهارم اهل سنت است. آن حضرت از ابتدای طفولیت تا آخرین لحظه رحلت نبی گرامی اسلام با پیغمبر اکرم بودند و در تمام سفرها و حضرها حضور داشتند.

«ابن حزم أندلسی» ادعا می‌کند که ما پانصد و هفتاد روایت از آن بزرگوار داریم که تنها پنجاه روایت آن صحیح است. این در حالی است که از «ابوهریره» پنج هزار و هفتصد روایت دارند.

دنبال یک سنی و وهابی می‌گردم که با او مناظره کنم!!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: اولین محکمه‌ای که در قیامت بنا می‌شود، محکمه من است:

«أنا أول من يَجُثو بين يَدَيِ الرحمنِ لِلْخُصُومَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا؛ ج 4، باب

قَتْلِ أَبِي جَهْلٍ، ص 1458، ح 3747

بنده بارها گفتم که «مرحوم شیخ صدوق» وصیت کرد که مرا در قم و در نجف دفن نکنید. وقتی اطرافیان علت این درخواست ایشان را پرسیدند، گفت: ما در روایت داریم اگر کسی در قم یا نجف دفن شود، قیامت را نمی‌بیند.

این شخص زمانی که از قبر برمی خیزد، به برکت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) یکسره وارد بهشت می‌شود. اطرافیان به ایشان گفتند: این که خیلی خوب است.

«مرحوم شیخ صدوق» گفت: من می‌خواهم در قیامت باشم و محکمه‌ای که برای امیرالمؤمنین تشکیل می‌شود را نظاره کنم. من می‌خواهم ببینم کسانی که در حق امیرالمؤمنین ظلم کردند، چه پاسخی بر این ظلمها دارند!! ما نهایت می‌خواهیم صد سال یا صد و بیست سال در این دنیا باشیم، اما در قیامت بی نهایت خواهیم بود. اگر یک عدد بگذارید و تمام ستارگان و کرات و ذرات و اتمها و ملکول های جهان را جلوی آن بگذارید، بازهم نمی‌توانید تعداد سال‌های قیامت را بفهمید.

(خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا)

و همیشه در آن خواهند ماند.

سوره نساء (4): آیه 57

جهان آخرت جاودانه جاودانه است. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در قیامت میزان، معیار و ملاک است.

«علی مع الحق والحق مع علی»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبو سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 449، باب آخر الجزء التاسع والتسعين بعد الأربعمئة من الفرع

:9

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:
دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج
3، ص 134، ح 4628

کسانی که از امیرالمؤمنین فاصله گرفتند، فردای قیامت جوابشان تماشایی است، حال در دنیا هرچقدر هم
همانند افرادی مانند «ذهبی» می گوید که قلب من شهادت می دهد روایتی که درباره فضیلت «علی بن ابی
طالب» هست باطل است.

آن ها به دنبال بهانه هستند و می گویند که قلب من قبول نمی کند. والله بنده دلم برای بسیاری از جوانان اهل
سنت می سوزد.

والله العلی الأعلى و قسم به حضرت سجاد، شبی نیست که برای جوانان اهل سنت دعا نکنم. مخصوصاً برای
کسانی که محبت امیرالمؤمنین دارند، از خداوند متعال می خواهم راه هدایت واقعی را به آنها نشان دهد تا
موقع جان دادن پشیمان نشوند.

از خداوند می خواهم زمانی نرسد که آنها افسوس بخورند و بگویند که ای کاش تحقیق کرده بودیم!!

بنده در سالی که در مکه مشرف بودیم، در «شبکه سلام» برنامه داشتم. بنده با حاج آقای «ری شهری» که در
آن زمان مسئول بعثه مقام معظم رهبری بودند، دیداری داشتم.

ایشان گفت: من دیشب برنامه شما را که به صورت مستقیم از مکه داشتید، گوش کردم. من از این حرفتان
خیلی خوشم آمد که گفتید در عرفه و منا و هرجایی بود هم برای شیعه و هم برای اهل سنت دعا کردم. من از
این حرفتان خیلی لذت بردم!

من گفتم: وظیفه ماست. برای ما شیعه و سنی و مسیحی و یهودی فرق نمی کند. آنها انسان هستند؛

«إِنَّمَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 427، خ

53

ما حتی راضی نیستیم یک یهودی و مسیحی هم فردای قیامت در آتش جهنم بسوزد. والله حتی راضی نیستیم یک وهابی هم در آتش جهنم بسوزد. تمام تلاش ما این است که حجت را برای آنها تمام کنیم.

ما با چه مصیبت‌هایی این شبکه یا دیگر شبکه‌ها را تأسیس کردیم تا بتوانیم اتمام حجت کنیم. تلاش ما این است که اعتقادات و ادله جوانان شیعه را تقویت کنیم.

بنده یکی از سال‌ها «آلمان» بودم و با برخی از پزشکانی که بیش از سی و پنج سال است در آنجا هستند صحبت می‌کردم.

یکی از آنها گفت: ما باور نمی‌کردیم شیعه اینقدر دلایل محکم برای معتقدات خود داشته باشد. ما شیعه شناسنامه‌ای بودیم، اما با بحث‌های شما، امروز شیعه واقعی شدیم و داریم به شیعه بودن خود افتخار می‌کنیم.

جوانان ما بدانند که ادله ما چیست. ما کلیپ‌های آقایان مخالف را نقل و پخش می‌کنیم و جواب می‌دهیم. از این بهتر و از این عالی‌تر؟!

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.

سوره سبأ (34): آیه 24

این سخن پیغمبر اکرم است. شاید من در هدایت و شما گمراه هستید. بیایید باهم بحث کنیم تا من شما را هدایت کنم. شاید شما در هدایت و من گمراه هستم. بیایید باهم بحث کنیم و مرا هدایت کنید.

وقتی رسول اکرم چنین فرمایشی دارند، تکلیف ما روشن است. بنده همین چند روز قبل در تهران در مراسم افتتاح آغاز روز تحصیلی مطالبی گفتم. یکی از خبرگزاری‌ها گفت: این مطالب را از قول شما نقل کنم؟ بنده گفتم: نقل کنید، ما از خدا می‌خواهیم.

حال نوجه‌های وهابی که کارشان فحاشی است، عددی نیستند که ما بخواهیم با آنها بحث کنیم. شاگردان رتبه سوم و چهارم ما جواب آنها را می‌دهند. اصلاً جوانانی که چند ماه، پای صحبت ما می‌نشینند، به آنها جواب می‌دهند.

یکی از شب‌ها که برنامه داشتیم، خانمی از نیویورک آمریکا تماس گرفت که شاید هنوز هم کلیپ آن را داشته باشیم. اگر اتاق فرمان بتوانند این کلیپ را پیدا کنند تا در جلسات بعدی پخش کنیم، خیلی خوب است.

ایشان می‌گفت: بنده حدود بیست سال است که در نیویورک هستم. در مجتمعی که زندگی می‌کنیم عمدتاً مسلمان هستند، اما یا سنی هستند و یا وهابی. آنها اکثراً از کشورهای عراق و اردن و عربستان هستند.

زمانی که بحث شیعه و سنی مطرح می‌شد بنده خجالت می‌کشیدم، زیرا نه توانایی پاسخگویی داشتم و نه حوصله شنیدن این حرف‌ها علیه شیعه را داشتم. به همین خاطر سریع بلند می‌شدم و می‌رفتم.

در حال حاضر که چند ماه است پای صحبت‌های شما نشستم، دنبال یک سنی و وهابی می‌گردم که با او مناظره کنم!!

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ملاک و محور!

اگر همین اعمال مورد قبول حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) باشد، ما را کفایت می‌کند. بنده بارها گفتم که هرکسی در زندگی به دنبال گمشده‌ای می‌گردد. ممکن است گمشده یک نفر مال دنیا، مقام، اولاد یا مسکن باشد.

بالاترین گمشده من در دنیا این است که برای یک لحظه از کار من لبخندی بر سیمای ملکوتی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بنشیند. همین برای من بالاترین گمشده است و چیز دیگری نمی‌خواهم!

مجری:

الحمدلله ما در برنامه هم بارها دیدیم بیندگانی که پای صحبت حضرتعالی بودند و از محضرتان استفاده کردند، جواب دیگر بیندگانی که بعضاً تماس گرفتند و شاید خللی در مطالب اعتقادی‌شان وجود داشت همان‌ها پیشقدم شدند و خواستند پاسخگو باشند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

واقعاً گمشده ما این است. بنده واقعاً بینی و بین ربی همیشه در سجده و قنوت نمازم گفتم که اگر به خاطر کارهای ما به اندازه یک لحظه لبخندی بر سیمای ملکوتی حضرت صدیقه طاهره بیفتد، هم دنیای ما آباد است و هم آخرت ما آباد است.

در این صورت اجداد ما تا حضرت آدم کارشان درست است و نسل ما هم تا قیامت کارشان درست است. حضرت فاطمه زهرا ملاک و محور است. اوست که پیغمبر اکرم فرمود:

«أَنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ»

همانا خداوند با غضب تو غضبناک و با رضایت تو خوشنود می‌شود.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 167، ح 4730

«حاکم نیشابوری» این روایت را با سند صحیح نقل می‌کند. همچنین «بخاری» در کتاب «صحیح بخاری» جلد سوم صفحه 1361 حدیث 3510 می‌نویسد:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1361، ح 3510

همچنین «مسلم» در کتاب «صحیح» خود جلد 4 صفحه 1902 حدیث 94 می‌نویسد:

«إنما فاطمة بضعة مني يؤذيني ما آذاها»

الکتاب: صحیح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1902، ح 94

ما در روایات شیعه هم الی ماشاءالله روایات فضیلت حضرت فاطمه زهرا را داریم، آن عزیزان هم نقل کردند. این نقطه آغازی برای بسیاری از حرف‌ها هست.

در رابطه با فضیلت امام سجاد گمان می‌کنم به همین اندازه اکتفا کنیم. «محمد بن إدريس شافعی» می‌گوید:

«هو أفقه أهل المدينة»

قراءة في المسار الأموي، أبو سفيان - الحكم - مروان - الوليد بن عقبة، من كتاب الغدير للشيخ الأميني، إعداد: مروان خليفات، مؤسسة دائرة معارف الفقه الإسلامي، الناشر: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، الطبعة الأولى: 1419 هـ - 1998م؛ ص 134

«مالک بن انس» هم می‌گوید:

« لم يكن في أهل البيت مثله »

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي؛ ج 4، ص 389

«احمد بن حنبل» حديث سلسلة الذهب را می آورد و می نویسد:

« لَوْ قَرَأْتُ هَذَا الْإِسْنَادَ عَلَى مَجْنُونٍ لَبَرِيءٌ مِنْ جَنَّتِهِ »

اگر این سند را کسی بر دیوانه‌ای بخواند، او از دیوانگی نجات پیدا می‌کند.

الصواعق المحرقة، المؤلف: أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيتمي، أبو العباس (المتوفى: 974هـ) المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، الناشر: مؤسسة الرسالة - لبنان، الطبعة: الأولى، 1417هـ - 1997م؛ ج 2، ص 595

«ذهبی» حرف‌هایی دارد و افراد دیگری هم حرف‌های زیادی دارند. بنده گمان می‌کنم به همین اندازه اکتفا کنیم.

حرف خیلی زیاد است، ان شاء الله در فرصتی مناسب یا اگر مناسبتی پیش آمد در رابطه با حرف‌های بزرگان اهل سنت نسبت به ائمه اطهار (علیهم السلام) ما حرف برای گفتن زیاد داریم و نظر بزرگان اهل سنت را برای مردم نقل می‌کنیم.

اگر عزیزان کتاب «سير أعلام النبلاء» جلد 13 صفحه 120 را مطالعه کنند، می‌بینند «ذهبی» در رابطه با ائمه اهل بیت چه نظری دارد.

او نسبت به ائمه اطهار از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت ولی عصر مطالب زیادی در کتاب خود آورده و به صراحت می‌گوید: این بزرگواران اهلیت و شأنیت خلافت داشتند، نه «معاویه» و «عبدالملک مروان» و «هارون الرشید» و «مأمون» و دیگران.

او تک تک ائمه اطهار را با خلفای عصر خود مقایسه می‌کند. و اینکه چطور شده این مطالب از قلم «ذهبی» در رفته معلوم نیست. دوستان ببینند ایشان چه حرف‌هایی نسبت به ائمه اطهار تا حضرت ولی عصر دارد.

مجری:

تشکر می‌کنیم. به اصطلاح، هم ماهی می‌دهید و هم ماهیگیری یاد می‌دهید. ان شاءالله که خودمان هم بتوانیم مستقیماً به همین مصادر رجوع کنیم. یک میان برنامه می‌بینیم و ان شاءالله در خدمت شما خواهیم بود.

درد بسیار مداوا گریه

ارث جامانده زهرا گریه

روزها ناله و شب‌ها گریه

آب می‌خورد ولی با گریه

گریه بر شاه شهیدان خوب است

گریه بر کشته عربان خوب است

گریه بر دامن طفلان خوب است

گریه بر آن لب و دندان خوب است

خواسته هر سحرش گریه کند

در فراق پدرش گریه کند

گریه بر ناله آن مادرها

گریه بر گریه آن دخترها

گریه بر غارت انگشترها

گریه بر وا شدن معجزها

رنگ مهتاب زمینش می‌زد

دیدن آب زمینش می‌زد

گریه خوب است که هرشب باشد

گریه بر چادر زینب باشد

آنکه را هست پیاده نکشید

تشنه را بر لب باده نکشید

طفل را این همه ساده نکشید

ذبح را آب نداده نکشید

هیچ کس آب به گودال نبرد

پدرم ذبح شد و آب نخورد

عرض تسلیت مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». در محضر «حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی» هستیم و از فرمایشاتشان بهره مند شدیم.

یک شناسنامه مختصری از زندگانی امام سجاد و همچنین دیدگاهی که حتی مخالفین آن حضرت نسبت به شأن و منزلت امام زین العابدین داشتند را حضرت استاد ارائه فرمودند.

جرعه ای از چشمه زلال عبادت امام سجاد (سلام الله علیه)

استاد اگر لطف بفرمایید مقداری هم از عبادت‌ها و اخلاق ویژه امام سجاد برای ما سخن بفرمایید بسیار ممنون و متشکر می‌شویم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با عبادت‌های حضرت، ما نمی‌خواهیم از کتاب «کافی» و دیگر کتب شیعه مطالبی عرض کنیم. «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد چهارم صفحه 392 مفصل در رابطه با عبادت‌های حضرت سجاد مطالبی بیان کرده است.

همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» جلد 9 صفحه 105 وارد شده است که وقتی امام سجاد به نماز می‌ایستاد، بدن حضرت به لرزه می‌افتاد. به حضرت عرضه می‌کردند که چرا بدنتان می‌لرزد؟ حضرت می‌فرمود:

« أَلَا تَدْرُونَ بَيْنَ يَدَيِ مَنْ أَقُومَ وَلِمَنْ أَنَا جِي؟ »

آیا می‌دانید در برابر چه کسی ایستادم و با چه کسی حرف می‌زنم؟

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف –

بیروت، ج 9، ص 105، باب علی بن الحسین

با کسی که خالق آسمان و زمین و عرش و کرسی است. ایشان نقل می‌کند که وقتی در مکه می‌خواستند لبیک بگویند، حضرت هرکاری می‌کردند که «لبیک، اللهم لبیک» بگویند، زبان حضرت باز نمی‌شد.

اطرافیان از حضرت سؤال کردند که چرا اینچنین است؟ حضرت فرمود: می‌ترسم که لبیک بگویم، اما خداوند لبیک مرا قبول نکند. می‌ترسم شرایطی که یک حاجی دارد را من نتوانم انجام داده باشم:

«حج علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب فلما أحرم واستوت به راحته اصفر لونه وانتفض ووقعت

عليه الرعدة ولم يستطع أن يلبي فليل له مالك لا تلبى فقال أخشى أن أقول لبك فيقول لي لا لبك»

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري؛ ج 41، ص

378

نقل شده است امام سجاد شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند. حضرت تا شب شهادت هزار رکعت نماز ترک نشد. این تعبیر را «ذهبی» و «ابن کثیر» می‌گویند، نه «شیخ طوسی» و «کلینی».

«عن جابر الجعفي عن أبي جعفر كان أبي يصلي في اليوم واللييلة ألف ركعة»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج 4، ص 392، باب 157 على ابن حسين

بنی امیه و بنی عباس تمام تلاش خود را به کار بردند تا نقاط ضعفی برای ائمه اطهار پیدا کنند و آن بزرگواران را بگویند، اما نتوانستند.

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند.

سوره توبه (9): آیه 32

در منابع آمده است که امام سجاد دعایی دارد. حضرت در خصوص این دعا که چهار فقره کوچک دارد، می‌فرماید:

«عبیدک بفنائک مسکینک بفنائک سائلک بفنائک فقیرک بفنائک»

بنده کوچکت پشت در نشسته است، مسکینت پشت در نشسته است، گدایت پشت در نشسته است، فقیرت پشت در نشسته است.

«فنا» به عتبه در یا آستانه و پشت در می‌گویند.

«قال فوالله ما دعوت به فی کرب قط إلا کشف عنی»

حضرت می‌فرماید: قسم به خدا در هر مشکلی این دعا را نخواندم، مگر اینکه مشکلاتم حل شد.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی،

ج 4، ص 393، باب 157 علی ابن حسین

مجری:

بسیار خوب. یک میان برنامه می‌بینیم و خدمت شما برمی‌گردیم.

با تو هر لحظه من بوی خدا می‌گیرد

عطر اخلاص و مناجات و دعا می‌گیرد

بچشان بر دل ما طعم عبودیت را

سجده هامان به نگاه تو بها می‌گیرد

تو ولی نعمت ما و همه عبادت هستیم

رحمت و اسعاهات دست مرا می‌گیرد

تا بقیعت دل شیدای مرا راهی کن

عشق از گوشه چشمان تو پا می‌گیرد

حضرت استاد بسیار بهره مند شدیم. حقیقتاً نسبت به امام سجاد بسیار مطالب دیگر هم دوست داشتیم از محضرشان استفاده کنیم، اما با توجه به فرصت محدودی که داریم بهتر است به فضایی برگردیم که جلسات پیش هم در همان فضا سؤالاتی مطرح شد.

یکی از مباحث جلسه گذشته سؤال یکی از بینندگان در قالب یک شبهه بود که البته حضرتعالی هم فرمودید متأسفانه این شبهه فراگیر شده است.

سؤالی که ضمن این شبهه مطرح شد، این بود که برخی به خطب «نهج البلاغه» استدلال کرده بودند و گفته بودند حضرت در این خطبه‌های «نهج البلاغه»، ولایت و خلافت خودشان را انتخابی دانستند.

این مقابل با صحبتی بود که ما بچه شیعه‌ها به آن معتقد هستیم و تا الآن با آن بزرگ شدیم. اگر توضیحاتی در این رابطه بفرمایید ممنونم.

پاسخگوئی به شبهات، دغدغه مهم ائمه اطهار (علیهم السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده قبل از اینکه به این سؤال جواب بدهم، باید بگویم که یکی از دغدغه‌های بزرگ معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) در طول حیاتشان، تربیت نیرو برای پاسخگوئی به شبهات بوده است.

افزون بر اینکه آن بزرگواران خود پاسخگوی سؤالات و شبهات بودند و مناظرات متعددی داشتند، به تربیت نیرو برای پاسخگویی به شبهات می‌پرداختند.

مناظرات ائمه اطهار از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) جمع شده است.

ای کاش فرصت خوبی پیدا شود تا مناظراتی که معصومین با مخالفین اعم از اهل سنت و مسیحی‌ها و یهودی‌ها، حتی مادی‌ها داشتند بیان شود تا مردم بدانند که ائمه اطهار در رابطه با مسئله پاسخ به شبهات خیلی دغدغه مند بودند و شاگردانی تربیت می‌کردند.

به عنوان مثال امام صادق (علیه السلام) در طول سی و اندی سال امامت خود شاگردان بسیار خوبی تربیت کردند. «قیس ماصر» یکی از قهرمانان فن مناظره است. در مورد او آمده است:

« وَ كَانَ قَدْ تَعَلَّمَ الْكَلَامَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ »

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (329ق)، محقق / مصحح:

غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران 1407ق؛ ج 1، ص 171، ح 4

بنده حیقم می‌آید شب شهادت امام سجاد، این مطلب را بیان نکنم. در کتاب «تفسیر امام حسن عسکری» مطلبی آمده که بسیار عجیب است. امام سجاد به مردی فرمود: از این دو کار، کدام یک برای تو خوب است:

«صَدِيقٌ كُلَّمَا رَأَىٰ أَعْطَاكَ بَذْرَةَ دَنَانِيرٍ»

دوستی داشته باشی که هرگاه تو را می‌بیند یک کیسه پول و طلا به تو بدهد.

«أَوْ صَدِيقٌ كَلَّمَا رَاكَ بَصْرَكَ بِمَصِيدَةٍ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيَاطِينِ»

دوستی داشته باشی که هرگاه تو را ببیند یک تور ماهیگیری به تو بدهد تا بتوانی پاسخگوی شیاطین و نواصب باشی.

«وَعَرَفَكَ مَا تُبْطِلُ بِهِ كَيْدَهُمْ، وَ تَحْرِقُ [بِهِ] شَبَكَتَهُمْ، وَ تَقَطِّعُ حَبَائِلَهُمْ»

سپس می‌نویسد:

«قَالَ: بَلْ صَدِيقٌ كَلَّمَا رَأَى عَلْمَنِي- كَيْفَ أَخْرَجِي الشَّيْطَانَ عَنِ نَفْسِي وَ أَدْفَعُ عَنِّي بَلَاءَهُ»

راوی می‌گوید: اگر کسی چیزی به من آموزش بدهد که بتوانم هم شبهاتی که برای خودم می‌آید و هم شبهات دیگران را جواب بدهم خیلی خوب است.

حضرت فرمود: خوب جواب دادی. سؤال دوم این است که اگر یک نفر اسیر یا بیچاره‌ای در دست کافر باشد که واسطه آزادی اسیر از دست کافر باشی، برای تو خوشنود است یا اینکه بیچاره‌ای را به خاطر اینکه گرفتار شبه نواصب شده نجات دهی؟

حضرت فرمودند: به عنوان مثال حرف‌های نواصب در کسی اثر گذاشت و او زیر پرچم نواصب رفته و سینه می‌زند.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، نود و نه درصد این افراد کسانی هستند که فریب وهابی‌های تکفیری و درون شیعی را می‌خورند و حرف‌هایی می‌زنند.

حضرت فرمود: کدام بهتر است؟! راوی نتوانست تشخیص بدهد که بهتر است اسیری را از دست کافر نجات بدهد یا کسی که گرفتار شبهه یک ناصبی و وهابی شده است را نجات دهد. راوی گفت: یابن رسول الله! از خدا بخواه به من توفیق بدهد جواب درست را بگویم.

ببینید بعضی افراد چقدر مؤدب هستند! راوی سپس گفت: یابن رسول الله اگر من یک بیچاره‌ای را که گرفتار شبهه نواصب شده است از دست یک ناصبی نجات دهم، برایم خیلی بهتر از این است که اسیری را از دست یک کافر نجات دهم.

اگر من اسیری را از دست کافر نجات دهم، دنیای او را تأمین کردم و او را در دنیا نجات دادم. اگر کسی که گرفتار شبهه ناصبی یا وهابی شده است را نجات دهم، او را از آتش جهنم و آتش ابدی و مخلد نجات دادم. نجات دنیوی با نجات اخروی قابل مقایسه نیست.

«قَالَ ع: وَوَقَّفتُ لِلَّهِ أَبُوكَ! أَخَذْتَهُ مِنْ جَوْفِ صَدْرِي لَمْ تَجْزِمِ مِمَّا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص حَرْفًا وَاحِدًا»

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، نویسنده: حسن بن علی، امام یازدهم علیه

السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ص 348، ح 232

این روایات نشانگر این است که ائمه اطهار نسبت به این قضیه عنایت ویژه‌ای داشتند. امام صادق (علیه السلام) شاگردان زیادی داشتند. به تعبیر «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «إرشاد»، حضرت چهار هزار شاگرد داشتند.

با این حال وقتی حضرت از میان شاگردان، «هشام بن حکم» را می‌بینند، گل از گلشان می‌شکند و می‌فرماید:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری‌گر ماست.

در آن جمع، خیلی افراد نشسته بودند. «زراره»، «أبان بن تغلب» و دیگر اصحاب امام صادق در آن جمع حضور داشتند، اما حضرت به «هشام» در حالی که جوانی بود که هنوز موی صورتش درنیامده بود می‌فرماید: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»!!

مشاهده کنید امام صادق از میان چهار هزار شاگرد تنها به «هشام بن حکم» افتخار می‌کند. همچنین بعد از اینکه مناظره تمام می‌شود، حضرت می‌فرماید:

«مِثْلُكَ فَلْيَكَلِّمِ النَّاسَ»

مثل تو باید با مردم مناظره کند.

«فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 171 - 173، ح 4

این خیلی مهم است که حضرت از میان چهار هزار نفر، دست روی «هشام» می‌گذارد، زیرا از میان شاگردان حضرت، «هشام» در مناظره با مخالفین، خوار چشم و استخوان گلوی مخالفین بوده است.

ما در میان اصحاب ائمه اطهار از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) کسی مانند «هشام بن حکم» نداریم و تنها همین یک نفر بود. حضرت دو صحابه به نام‌های «هشام» داشتند؛ «هشام بن سالم» و «هشام بن حکم».

آن بزرگوار همچنین اصحاب دیگری هم داشتند. به عنوان مثال یکی از اصحاب حضرت، «محمد طیار» نام داشت که در خصوص او آمده است:

«أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَبَاهِي بِالطَّيَارِ»

رجال العلامة الحلی، -نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، محقق / مصحح: بحرالعلوم،

محمدصادق، ص 150، باب 64 محمد الطیار

بنده بیش از صد بار این مناظره را مطالعه کرده ام!

«مرحوم شیخ صدوق» متوفای 381 هجری در کتاب «کمال الدین» روایتی آورده است. بنده از دوستان و طلبه‌هایی که به زبان عربی تسلط دارند، تقاضا دارم آدرسی که می‌دهم را یادداشت کنند و این روایت را چندین بار مطالعه کنند.

«شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» صفحه 362 قضیه‌ای را نقل می‌کند. «یحیی بن خالد» یکی از وزرای «هارون الرشید» مجالسی تشکیل می‌داد و علمای مذاهب مختلف اعم از معتزله و اشاعره و اباضیه و خوارج در آن جلسه حضور پیدا می‌کردند.

«هشام بن حکم» هم به عنوان نماینده شیعه می‌آمد و با هم بحث علمی می‌کردند. در آن زمان بحث‌های علمی رواج داشت.

روزی «هارون الرشید» در خصوص این جلسه پرسید. «یحیی بن خالد» به او توضیح داد که ما چنین جلسه‌ای با این کیفیت داریم. «هارون الرشید» می‌گوید: من دوست دارم روزی بیایم و به صورت مخفیانه بحث‌های علمی علما را گوش دهم.

لازم به ذکر است که «مأمون» باسواد بود، اما «هارون الرشید» سواد علمی چندانی نداشت و تنها به دنبال این بود که ریاست کند. او به «مأمون» هم گفت: اگر در خلافت با من مخالفت کنی، با وجود اینکه فرزندم هستی چشمانت را از حدقه بیرون می‌آورم!!

«هارون الرشید» به منزل «یحیی بن خالد» آمد و پشت پرده نشست. علما مناظراتی داشتند تا یکی از کسانی که از فرقه اباضیه بود شروع به بحث با «هشام» کرد. اباضیه فرقه‌ای از خوارج هستند.

والله العلی الاعلی خدا می‌داند چنین مناظره‌ای به غیر از معصومین در کسی دیگر سراغ ندارم. ما اهل بیت (علیهم السلام) را کنار می‌گذاریم، زیرا:

«لَا يِقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ ص مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 47، خ 2

اما بعد از معصومین از میان اصحاب ائمه اطهار بنده این چنین مناظره ای ندیدم. شاید بگویم بنده بیش از صد بار این مناظره را مطالعه کردم، اما بازهم زمانی که مطالعه می‌کنم لذت می‌برم.

«هشام» برای اثبات امامت ائمه اطهار، نه به آیات و نه به روایات استدلال کرد، اما به قدری زیبا و عالی امامت اهل بیت (علیهم السلام) را تثبیت کرد که «هارون الرشید» به «یحیی بن خالد» اشاره کرد و وقتی او بیرون آمد، به او گفت:

«فَوَ اللَّهُ لَيْسَانُ هَذَا أَبْلَغُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ سَيْفٍ»

به خدا سوگند زبان او در قلب مردم از صد هزار شمشیر برنده‌تر است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 368، ح 5

ما این چنین مناظره کننده دوست داریم. افرادی در شبکه‌های وهابی و فضای مجازی بیایند و همانند «هشام بن حکم» مناظره کنند. افرادی باشند که سران وهابی بگویند مناظره این بچه شیعه و بچه طلبه از صد هزار شمشیر برنده برای ما زیان آورتر است.

«یحیی بن خالد» می‌گوید: من احساس کردم «هارون الرشید» قصد دارد «هشام بن حکم» را سر به نیست کند. به مجلس آمدم و با چشم به او اشاره کردم فرار کند.

«هشام» به بهانه اینکه می‌خواهد تجدید وضو کند از مجلس بیرون آمد، از بغداد فرار کرد و به کوفه آمد که داستان بسیار مفصلی دارد.

دوستان به کتاب «کمال الدین» رجوع کنند و از صفحه 362 تا صفحه 368 را مطالعه کنند. شرح این مناظره خیلی مفصل است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) این چنین دغدغه مند بودند. زمانی که مرد شامی می‌آید و می‌خواهد با امام صادق مناظره کند، حضرت شاگردانش را به ترتیب صدا می‌زند و هرکدام با او مناظره می‌کنند و او را محکوم می‌کنند و او شکست می‌خورد.

مرد شامی می‌گوید: یا بن رسول الله! می‌خواستید شاگردانتان را به رخ من بکشید؟! می‌خواستید من بینم چنین شاگردان توانمندی تربیت کردید؟!

حضرت فرمودند: بله، بله. می‌خواستم شاگردانم را به رخ تو بکشم. برو در شام بگو و به مردم اعلام کن امام صادق شاگردانی تربیت کرده است که فردی همانند «هشام» وقتی با تو حرف زد آنچنان عرصه را بر تو تنگ کرد که حتی توان فروبردن آب دهان را از تو گرفت!

ما امروز به چنین شیعیانی نیاز داریم. مقام معظم رهبری فرمودند: "فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است." در قتلگاه جوانان، ما شیربچه هایی امثال «هشام بن حکم» و «أبان بن تغلب» و «مؤمن الطاق» و «قیس ماصر» را نیاز داریم!!

من در خدمت حضرتعالی هستم.

تماس بینندگان برنامه:

مجری:

حال سؤالاتی هست و البته عزیزانی هم پشت خط هستند. عزیزمان «آقا زکریا» از «کرمانشاه» پشت خط هستند. صدایشان را بشنویم و ان شاءالله در فرصتی مناسب به مابقی سؤالات می‌پردازیم.

بیننده (آقا زکریا از کرمانشاه - شیعه):

سلام و عرض ادب خدمت شما و استاد قزوینی و بینندگان عزیز. بنده چند سؤال داشتم. اگر وقت داشته باشید و جواب بدهید ممنونم.

ابتدا یک تشکر ویژه از استاد قزوینی دارم به خاطر زحماتی که در «شبکه جهانی ولایت» و همچنین «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» برای ما کشیدند.

بنده حقیقتاً شیعه مادرزادی بودم و درک درستی از معرفت اهل بیت پیامبر نداشتم. بنده در عاشورا شرکت می‌کردم، اما درک سطحی از قیام امام حسین داشتم.

بنده همچنین در روضه خوانی‌های شهادت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شرکت می‌کردم، اما نسبت به مظلومیت ایشان بی اطلاع بودم.

بنده به لطف این شبکه و مخصوصاً استاد قزوینی توانستم نسبت به این معارف اندک اطلاعی پیدا کنم و خدا را شکر نسبت به گذشته اعتقاداتم بسیار قوی‌تر شده است.

در حال حاضر وقتی شبکه‌های وهابی را نگاه می‌کنم، راست و دروغ شبهاتی که مطرح می‌کنند برایم معلوم شده است و می‌دانم که کجا دروغ می‌گویند و در کجا فضائل ائمه اطهار را کتمان می‌کنند. بنده چند سؤال هم داشتم که اگر پاسخ دهید ممنونم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما هم از شما تشکر می‌کنیم. در خدمت شما هستیم.

بیننده:

وهابی‌ها زمانی که به فضائل حضرت علی می‌رسند، عمدتاً یا این فضائل را کتمان می‌کنند و یا سعی می‌کنند آنها را تضعیف کنند.

وهابی‌ها در یک مورد در شبکه‌هایشان زیاد پافشاری می‌کنند و آن اینکه ادعا می‌کنند حضرت علی در قضیه یهود «بنی نضیر»، هشتصد اسیر را گردن زده است و در این فضیلت هیچ شبهه‌ای هم وارد نمی‌کنند.

اتفاقاً تنها فضیلتی که تقریباً همگان برای حضرت علی اعتقاد دارند، همین فضیلت است. آن‌ها تا به این فضیلت می‌رسند، هیچ شبهه‌ای در آن وارد نمی‌کنند. آن‌ها به طور زیادی در شبکه‌هایشان این قضیه را به عنوان فضیلت حضرت علی بیان می‌کنند.

بنده می‌خواستم بدانم این قضیه چقدر واقعیت داشت که حضرت علی ششصد یا هفتصد اسیر را گردن زده است.

سؤال دوم این است که وقتی انسان تاریخ اسلام را مطالعه می‌کند، نسبت به جناب أم المؤمنین «عایشه» بعضی موارد به دست می‌آید.

مورد اول اینکه ایشان نسبت به حضرت فاطمه زهرا یا حضرت علی کینه داشت. بنده می‌خواستم بدانم ریشه این حسادت و کینه در کجا بوده است؟

بعضی افراد در طول تاریخ نقل کردند به دلیل اینکه حضرت فاطمه زهرا دختر حضرت خدیجه بود و رسول گرامی اسلام هم احترام خاصی به حضرت خدیجه قائل بود، ریشه حسادت از اینجا است.

بعضی دیگر هم گفته‌اند به دلیل اینکه پیغمبر اکرم لقب بهترین زنان دو عالم را به حضرت فاطمه زهرا دادند، عایشه به حضرت فاطمه زهرا حسادت کرده است. در جای دیگری هم می‌گویند ریشه حسادت ایشان نسبت به حضرت علی بوده است.

همچنین در جای دیگر می‌گویند به دلیل اینکه عایشه بچه دار نمی‌شد، اما خداوند دو پسر به حضرت فاطمه زهرا داده بود ریشه حسادت از اینجا است. بنده می‌خواستم توضیح مختصری هم نسبت به این قضیه بدهید.

مجری:

بسیار عالی، از تماستان بسیار تشکر می‌کنیم. ان شاءالله پاسخ‌های مستدل را از حضرت استاد می‌شنویم. استاد در خدمتتان هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با سؤال اولشان «بنی نضیر» نبود، بلکه «بنی قریظه» بود. در این ماجرا «سعد بن معاذ» قضاوت کرد و بر مبنای قضاوت او که از خودشان بود، افرادی هم کشته شدند.

این یک مسئله‌ای تاریخی است و دوستان اگر چهارشنبه شب‌ها که جناب «دکتر جباری» هستند این قضیه را با ایشان مطرح کنند، پاسخ بهتری می‌گیرند. این بحث، بحثی تاریخی است. البته ما هم بارها به این قضیه جواب دادیم، اما قرار شد سؤالات بین دوستان تقسیم بندی شود.

البته در خصوص طایفه «بنی نضیر» همین اندازه بگوییم که چه جنایت‌ها مرتکب شدند. آن‌ها حتی قصد ترور رسول گرامی اسلام را داشتند. یکی از یهودیان بالای کوه رفت و سنگ بزرگی به پایین انداخت تا پیغمبر اکرم را بکشد.

طایفه بنی نضیر با رسول الله عهد و پیمان بسته بودند که دشمنان مسلمانان را تقویت نکنند. اگر دشمنان و مشرکین قریش به مدینه آمدند، آن‌ها همکار و هم پیمان رسول گرامی اسلام باشند و از مسلمانان دفاع کنند. متأسفانه طایفه بنی نضیر در قضیه احزاب به جای ماندن بر سر عهد و پیمان خود، به دشمنان رسول الله پیوستند.

این قضیه باعث شد که رسول گرامی اسلام بر قبایل «بنی قریظه» و «بنی نضیر» و «بنی قینقاع» لشکر کشی کرد و آنها را برای همیشه ادب کرد تا برای آیندگان هم درس عبرتی باشد.

بر فرض هم اگر امیرالمؤمنین طایفه بنی نضیر را کشت، به دستور پیغمبر اکرم آنها را کشت و بدون دستور رسول گرامی اسلام چنین کاری نکرد.

البته آمار ششصد یا هفتصد نفری هم غلو است، زیرا آمار آنها این تعداد نبود. عرض کردم این مباحث تاریخی است باید در جای خود پرسیده شود.

ما به «عایشه» توهین نمی کنیم ولی انتقاد جدی به او داریم!!

در رابطه با «عایشه» اولاً باید بگوییم که ما نسبت به همسران پیغمبر اکرم اعم از عایشه یا دیگر همسران رسول الله، هرگونه اهانت را گناه می دانیم.

بعضی از شبکه‌ها به نام شیعه است، اما خطر و ضررشان از وهابیت بیشتر است. آن‌ها نسبت به «عایشه» جسارت می‌کنند و نسبت‌های ناروا می‌دهند. ما توهین‌های آنها را گناه نابخشودنی و توهین به نبی گرامی اسلام می دانیم.

ما تمامی زنان پیغمبر اکرم حتی عایشه را از مسائل فحشا مبرا می دانیم و چنین نسبتی به آنها را خیانت به اسلام و خیانت به پیغمبر اکرم می دانیم.

متأسفانه در کتاب‌های اهل سنت هم مطالبی آمده است که امیدواریم عزیزان اهل سنت ما هم، نسبت به بعضی از مطالبی که در کتاب‌های «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آمده است، آگاهی پیدا کنند.

حتی افرادی همانند «حسان بن ثابت» و خواهر زن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاطر نسبت دادن فحشا به عایشه حد خوردند.

ما عرض کردیم زنان پیغمبر اکرم خط قرمز ما هستند. ما به هیچ وجه، به هیچ احدی حتی بینندگانمان اجازه نمی‌دهیم نسبت به همسران پیغمبر اکرم همانند «عایشه» جسارت کنند.

در صورت بروز چنین اشتباهاتی از سوی بینندگان، بنده از اتاق فرمان می‌خواهم بلافاصله تماس شخص مذکور را قطع کنند. «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» جای چرندیات نیست.

از طرف دیگر ما انتقاد هم داریم، زیرا قرآن کریم خطاب به همسران رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)

و در خانه‌های خود بمانید.

سوره احزاب (33): آیه 33

ایشان به همراه «طلحه» و «زبیر» به مکه آمد و در برابر امام وقت خود قیام کرد. بنا به عبارت «یعقوبی» جنگ جمل سی هزار کشته بر جای گذاشت. بفرض سی هزار نبود و سه هزار کشته بود، جواب این کشته‌ها را چه کسی می‌دهد!!

آن‌ها می‌خواستند چکار کنند؟! آمده بودند بین چه کسانی صلح برقرار کنند؟! آمده بودند میان قاتلین عثمان صلح برقرار کنند؟! عثمان از بنی امیه است. «طلحه» و «زبیر» و عایشه چه ارتباطی با آنها داشتند?!

ما اینجا انتقاد داریم و می‌گوییم که این کار ایشان مطابق با موازین شرع و قرآن کریم نبوده است. با تمام این احوالات بعد از اینکه آنها در جمل شکست خوردند، امیرالمؤمنین نسبت به عایشه احترام کرد و آنها را با احترام به مدینه فرستاد.

جالب اینجاست و در بسیاری از منابع آمده است که وقتی «عایشه» به مدینه رسید، گفت: من از «علی بن ابی طالب» گلایه دارم، زیرا مرا با مردان همسفر کرد و به مدینه آوردند. من این انتظار را از علی نداشتم.

کسانی که با عایشه بودند، لباس‌ها را کنار گذاشتند و معلوم شد همگی زن هستند که لباس مردانه پوشیدند!! مشاهده کنید برخورد امیرالمؤمنین با عایشه که مسبب سی هزار کشته شد چنین بود، آنوقت ما امروز بعد از هزار و چهارصد سال در شبکه‌ها بر ضد مشی حضرت مانور بدهیم.

ما باید حرف حق را بزنیم و انتقادمان را مطرح کنیم، اما به صورت مستدل و مستند. ما باید بگوییم این کار ایشان خلاف قرآن و سفارش رسول گرامی اسلام بود، اما از طرف دیگر هم به خاطر رسول اکرم به هیچ وجه بی احترامی نکنیم.

قطعاً ایشان با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جنگ کرده و همیشه هم گریه می‌کرد و از این کار پشیمان بود و می‌گفت: ای کاش من به دنیا نیامده بودم تا در چنین قضیه‌ای شرکت کنم.

او تا آخر عمر هم پشیمان بود و وصیت کرد که مرا در کنار پیغمبر اکرم دفن نکنید، زیرا یک سری کارهایی انجام دادم که خجالت می‌کشم در کنار رسول الله باشم. مرا در بقیع دفن کنید.

مجری:

بسیار خوب. از حضرتعالی تشکر می‌کنیم. متأسفانه هم سؤالاتی رسیده و هم تلفن‌هایی هست. به مقداری که بتوانیم به آنها پاسخگو باشیم. «آقا هادی» از «اردبیل» پشت خط هستند. آقا هادی سلام عرض می‌کنم، در خدمتتان هستیم:

بیننده (آقا هادی از اردبیل - شیعه):

سلام علیکم، وقت بخیر، خسته نباشید. خدمت جناب آقای دکتر قزوینی هم سلام عرض می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

حالتان خوب است؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ممنون و متشکرم.

بیننده:

جناب استاد قزوینی! بنده چند هفته پیش در شبکه وهابی با آقای «عقيل هاشم زهی» تماس داشتم. ایشان ادعا می‌کرد: "هیچ کدام از روحانیون قم و نجف برای مناظره آماده نیستند. من شما را وکیل می‌کنم که هرکدام از این حضرات آماده باشند من در خدمت هستم."

آن‌ها خط‌های ما را قطع می‌کنند. بنده می‌خواهم از همین جا بگویم که مرد و مردانه روی قول و حرفت باش! همین آقای «یزدانی» هفته گذشته اعلام آمادگی کرد.

بنده از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» به شما اعلام می‌کنم که اگر شما تشریف آوردید، حتی خود بنده هم در خدمت شما هستم.

حال در خصوص شبهاتی که مطرح می‌کنند، همین آقای «خدمتی» مدیر شبکه وهابی که یک بار حدیث دوات و قلم را مطرح کرد، که خلیفه دوم گفت:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص 1612، ح 4169

یعنی علم عمر بن خطاب خیلی بالاتر و در سطح وسیع بود که چنین چیزی را مطرح کرد. بنده می‌خواهم از وهابی‌ها بپرسم و تقاضا دارم به بنده جواب بدهند.

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

ما هم قبول کردیم و قرآن را قبول کردیم. آقای مفتیان وهابی شما تشریف بیاورید و به طرف حدیث نروید. شما نماز صبح را از قرآن کریم اثبات کنید که ما باید چند رکعت بخوانیم. زکات چند درصد است؟ نماز ظهر چند رکعت است؟ به طرف احادیث نروید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما واقعاً از آقا هادی تشکر می‌کنیم. ما قبلاً هم صدای گرم ایشان را از دیار اردبیل می‌شنیدیم. ان شاء الله فرکانس شبکه را به دوستان دیگر هم اطلاع بدهید تا دوستان دیگر هم در جریان قرار بگیرد. اطلاع رسانی ما قدری ضعیف است.

بیننده:

ما مبلغ شبکه هم خواهیم بود.

مجری:

استاد اگر اجازه بفرمایید بنده به صورت مختصر مطلبی را عرض کنم، زیرا در برنامه دیگری هم همین قضیه مطرح شده بود.

حتماً همه بینندگان هم مشاهده کردند که بارها و بارها کارشناسان بزرگوار برنامه خودشان تحدی کردند و همین را خواستند که کارشناسان شبکه‌های وهابی به مناظره با کارشناسان «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» بپردازند.

همانطور که یکی از نمونه‌های آن را هم همه شما دیده بودید. همانند نمونه‌ای که خدمت شما عرض شد، آقای یزدانی به آقای «هاشمی» پیامی داده بود. ایشان هم گفته بود که آرزوی مناظره شبکه به شبکه را به گور ببرید. آنها در جواب گفته بودند که ما به هیچ وجه با شما به این سبک مناظره نمی‌کنیم!!

بنده به خاطر این می‌خواستم این نکته را عرض کنم که کارشناسان با کارشناسان تماماً چنین امکانی هست.

آیت الله حسینی قزوینی مرحمت می‌فرمایند و الحمدلله این فرصت را به ما می‌دهند که در خدمتشان باشیم و این مرحمتی از حضرت استاد هست.

ما کارشناسان را به هیچ وجه، حتی هم سنخ و هم ردیف و در این حد نمی‌بینیم که کسی ادعا این را کند که بخواهد در مقابل حضرت آیت الله حسینی قزوینی به مناظره اقدام کند.

شاگردان ایشان هستند که همگی الحمدلله در همان مرتبه که هستند، چه مدیر شبکه و چه هرکدام از کارشناسان، به صورت متقابل چنین امکانی برایشان هست و همیشه هم اعلام آمادگی کردند. در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

البته ما بارها به این آقایان گفتیم که دوستان ما آمادگی دارند، اما به صورت شبکه به شبکه. آقایان می‌خواهند مناظره در شبکه خودشان باشد تا هرزمانی خواستند حرف آقایان را قطع کنند، توهین و اهانت کنند.

ما به دوستان گفتیم به هیچ وجه در شبکه‌های آنها برای مناظره نروید، زیرا آنها شیطنتی دارند که وقتی می‌بینند جواب ندارند اولاً شروع به هتاک و فحاشی می‌کنند و بلافاصله هم قطع می‌کنند.

ما یک مناظره با آقای «مرادزهی» در «شبکه سلام» داشتیم. روند این مناظره به طوری بود که آن مناظره مجری داشت، پنج دقیقه ایشان صحبت می‌کرد و پنج دقیقه من صحبت می‌کردم.

ما همچنین مناظره‌ای با آقای «ملازاده» داشتیم. پنج دقیقه ایشان صحبت می‌کرد و پنج دقیقه من صحبت می‌کردم، به طوری که مجری حتی دو ثانیه هم بیشتر اجازه صحبت نمی‌داد. مناظره به این معناست!

آن‌ها به اینجا تشریف بیاورند و ما در خدمتشان هستیم. ما در اینجا مجری می‌گذاریم و تصویر ایشان را هم می‌گذاریم و ایشان هم پخش کنند. پنج دقیقه ایشان صحبت کند و پنج دقیقه هم ما صحبت می‌کنیم.

ما همین امسال با یکی از علمای اصفهان شش ساعت مناظره داشتیم. مجری وقت گذاشت، ده دقیقه ایشان صحبت می‌کرد و ده دقیقه من صحبت می‌کردم.

مناظره به طوری بود که اگر وقت من یازده دقیقه می‌شد، در نوبت بعدی وقت من را نه دقیقه می‌گذاشت. همچنین اگر ایشان دوازده دقیقه صحبت می‌کرد، در نوبت بعدی دو دقیقه کمتر صحبت می‌کرد. مناظره عادلانه به این می‌گویند!

مناظره‌ای که یک جانبه باشد مناظره نیست، بلکه مغالطه و مجادله و زورگویی است. این افراد به هیچ وجه من الوجوه ارزش این را ندارند که ما بخواهیم در شبکه‌های آنها به این شکل مناظره کنیم.

بنده همانطور که قبلاً هم گفته بودم، الآن هم می‌گویم که بزرگان‌شان همانند «عثمان الخمیس» را بردارند و بیاورند. ما حاضریم با ایشان مناظره کنیم.

ایشان کتاب‌های ما که در سایت هست را مطالعه کند و ما هم کتاب‌های ایشان را مطالعه داشتیم.

وهابی‌ها «عثمان الخمیس» و همچنین افرادی که امروز به عنوان ایدئولیک وهابیت هستند را بیاورند تا با همدیگر بحث کنیم. ما که ابایی نداریم و به صورت عادلانه بحث می‌کنیم.

ده دقیقه وقت به ایشان داده می‌شود و ده دقیقه وقت به ما داشته می‌شود، بحث می‌کنیم و قضاوت را هم به عهده بینندگان می‌گذاریم.

والله اگر «خدمتی» بمیرد و زیر خاک برود، بهتر است!!

ما مسئول این شبکه هستیم و آقای «خدمتی» هم مسئول آن شبکه است. گرچه ایشان هم هتاک است، اما از هتاک‌ی به حد دیگر کارشناسانشان نمی‌رسد.

بنده باز هم اعلام می‌کنم که ایشان تشریف بیاورند، ما آمادگی داریم که چندین ساعت یا چندین شب در خصوص هر موضوعی که آقای «خدمتی» معین کند با ایشان صحبت کنیم.

دوستان کلیپ‌هایی از این افراد برای من می‌فرستند که اصلاً انسان شاخ درمی‌آورد. همین شخصی که کارمند اداره آب را با چاقو کشته بود و تکه تکه کرده بود و اعدام شد، آقای «هاشمی» از او به عنوان "شهید" یاد می‌کند.

از خدا می‌خواهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد آقای «هاشمی» را با همین قاتلی که اعدام شد، در قیامت محشور کند.

همین آقای «خدمتی» تا دیروز از فلسطین دفاع می‌کرد و اسرائیل را سرکوب می‌کرد، اما همین چند شب قبل در کلیپی مشاهده کردم که می‌گوید: "اسرائیلی‌ها انسان‌های خوبی هستند. ما باید با آنها ارتباط داشته باشیم."

کار به جایی رسیده که «ملازاده» آن‌ها را مسخره کرده و به آنها جواب داده است!! این افراد با هر بادی که از هر طرف می‌وزد، به همان طرف می‌روند.

حنای این افراد دیگر رنگ ندارد و مردم آنها را شناختند که چکاره هستند. اگر کسی امروز از اسرائیل غاصب دفاع کند، نهایت ذلت و فلاکت برای آنهاست.

والله «خدمتی» اگر بمیرد و زیر خاک برود، بهتر است از اینکه بیاید با آیات قرآن کریم از رابطه‌ای که میان امارات و اسرائیل بوده دفاع کند.

مرگ برای این افراد بهتر است و اگر زیر خاک بروند هزار شرافت دارند که اینچنین از اسرائیل آدم کش و کودک کش دفاع کنند.

جنايات این افراد در تاریخ بی نظیر بوده است. ما حرف‌های آنها را داریم و اگر لازم بدانیم کلیپ‌هایشان را پخش می‌کنیم. چطور شد تا دیروز از فلسطین دفاع می‌کردند!؟

بنده معتقدم اگر یزید الآن زنده شود و بیاید، این آقایان زیر پرچم یزید علیه امام حسین سینه می‌زنند و در برابر امام حسین می‌ایستند. فرقی نمی‌کند، زیرا فلسطینی‌ها که شیعه نیستند.

فلسطینی‌ها همگی سنی هستند و شیعه ندارند، اما ما افتخار می‌کنیم که روز بیست و دو بهمن انقلاب اسلامی پیروز شد و بیست و سه بهمن سفارت اسرائیل تعطیل و سفارت فلسطین باز شد. در طول این چهل سال هم همواره ما از آنها دفاع کردیم.

مجری:

متأسفانه فرصت برنامه به پایان رسیده است و عزیزان اتاق فرمان هم چندین بار تذکر می‌دهند. از محضرتان بهره مند شدیم و بسیار تشکر می‌کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما هم از بعضی دوستانی که پشت خط می‌مانند و نمی‌توانیم تماسشان را پخش کنیم، معذرت می‌خواهیم. ان شاءالله دعا بفرمایید که دست و بالمان بازتر شود تا بتوانیم برنامه‌ها را گسترش دهیم و خودمان هم بیشتر در خدمت عزیزانمان باشیم.

مجری:

ان شاءالله، بسیار عالی. تشکر می‌کنیم از حضرتعالی و همه بینندگان عزیز و ارجمند و عذرخواهی می‌کنیم از عزیزانی که پشت خط بودند و هم از عزیزانی که پیام فرستاده بودند و متأسفانه امشب فرصت نشد تا سؤالشان مطرح شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما ان شاءالله قول می‌دهیم شب جمعه ابتدا سؤالات را پاسخ دهیم و در خدمتشان باشیم.

مجری:

ان شاء الله همینطور باشد و ان شاء الله بتوانیم جزو «قیس ماصرهای» امام زمان باشیم.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماننا ممانات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و

آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته